



محمد جعفری

روزنامه‌نگار

صبح نخستین روز کاری هفته جاری در حالی شروع شد که یک اظهارنظر از وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با مجله آلمانی اشپیگل، فضای رسانه‌ای کشور را به کلی تحت الشعاع خود قرار داد. حتی بعد از ترور شهید سلیمانی توسط نظامیان آمریکایی نیز حاضریم مذاکره کنیم، مشروط به آنکه تحریم‌ها برداشته شود و ترامپ ضمن تغییر رویه سابق، به میز مذاکره بازگردد. این‌ن خلاصه پیامی بود که از گفته‌های ظریف استنباط می‌شد؛ پیامی که البته بعد از واکنش صریح ترامپ، تلاش شد برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شود. رئیس‌جمهور آمریکا در تویییتی نوشت: «وزیر امور خارجه ایران می‌گوید ایران خواستار مذاکره با ایالات متحده است اما می‌خواهد که تحریم‌ها برداشته شود. نه، مرسی!»

تویییتی تلخ که از نهاد خیلی‌ها بلند کرد و نوعی احساس تحقیرشدگی را در بخش‌هایی از افکارعمومی رقم زد. هرچه باشد بعد از ترور سردارشهید سلیمانی- که در جامعه ایران به‌عنوان نماد امنیت کشور شناخته می‌شد- توسط نظامیان آمریکایی، آن‌هم به‌صورت رسمی وبا فرماندهی مستقیم ترامپ، حس نفرت بسه آمریکا بیش از هر زمان دیگری اوج گرفته و دشمنی ایالات متحده با ایران نیز از همیشه روشن‌تر شده‌است.

واقعبیت حرف‌های ظریف چی چه بود؟

موج منفی شکل گرفته در پی گفته‌های ظریف البته همان طور که پیش‌بینی می‌شد کار را به انکار و توجیه و تفسیر کشاند. رسانه‌های نزدیک به دولت از همان ساعات ابتدایی بعد از توثیت ترامپ به‌خط شدند تا این‌طور وانمود کنند که ظریف آنچه را منتقدان می‌گویند نگفته و اظهارات وزیر امور خارجه اساسا به‌صورت نادرست ترجمه شده‌است. او خود نیز با انتشار متن انگلیسی این بخش از گفت‌وگو با اشپیگل تلاش کرد قدری از سنگینی جو پدیدآمده بکاهد. آب رفته را اما به این راحتی نمی‌شود به جوی بازگرداند. ترجمه‌های بعدی نیز همان برداشته‌ای را تایید می‌کرد که در ابتدا مطرح شده بود. واقعبیت از این قرار بود که جناب وزیر امور خارجه در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «آیا مذاکره با آمریکا را پس از ترور سردار سلیمانی غیرمحمتمل می‌دانید»، گفته بود: «خیر. من هرگز چنین امکانی را رد نمی‌کنم، به شرط آنکه آنها رویکرد خود را تغییر دهند و واقعیات را به رسمیت بشناسند. از نظر ما مهم نیست که چه کسی در کاخ سفید می‌نشیند. چیزی که اهمیت دارد، نحوه رفتار آنهاست. دولت ترامپ می‌تواند گذشته‌اش را جبران کند، تحریم‌ها را بردارد و پای

گفت و گو

عضو هیات علمی دانشگاه تهران ضمن بازخوانی کارنامه دیپلماتیک وزیر امور خارجه عنوان کرد

خطای ظریف، راهبردی است

در چنین وضعیت اجتماعی و سیاسی این گونه مغایر با عزت ملی موضع می‌گیرد.

احتمالا تحلیل ظریف و دوستان ایشان تداوم مسیر گفت‌وگو و همان مساله‌ای بود که پیش از این مطرح می‌کردند و معتقد بودند در مسیر تعامل و گفت‌وگو با دنیا، تخصص و تبحر لازم را دار هستند.

اسم این رفتار، گفت‌وگو نیست. این یک نوع انفعال در مقابل غرب است. هر چقدر تلاش می‌کنیم در فضایی که بعد از شهادت حاج قاسم ایجاد شد، این نوع انتقادات و مراجعه به تاریخ را در دستورکار قرار ندهیم گویا تمعدا جریان‌ی علاقه دارد ما را مجبور کند پرونده قطور اقدامات منفعلانه و به‌دور از عزت آنها را ورق بزنیم. من فراموش نمی‌کنم در انتخابات ریاست جمهوری نهم، ظریف و روحانی چطور به اروپایی‌ها ابراز کردند با همراهی کاری کنند تا این جریان بتواند پیروز انتخابات ریاست جمهوری باشد. به‌خاطر بیاورید، همین موضع را ظریف قبل از انتخابات دوره دوم روحانی در دیدار با اندیشکده‌های آمریکایی بیان کرد. لذا من این رفتار را متفاوت از یک اظهارنظر دیپلماتیک می‌دانم و آن را ذیل انفعال و وادادگی دسته‌بندی می‌کنم. البته سابقه پرونده مذاکرات جریان حاکم بر دستگاه دیپلماسی، بیشتر از این یکی، دو مورد است و ریشه تاریخی دارد. برای مثال موضوع تبادل جاسوسان و گروهان‌های آمریکایی در لبنان را هم داریم، در موضوع خلف‌وعده آمریکا در جریان گروگان‌گیری، آن روزها مذاکراتی انجام شد که نتایج آن شاید بدتر از قرارداد ترکمانچای بود. لذا چه آن روز که به‌نوعی سال‌های ابتدایی انقلاب بود و چه امروز، هرجا این فکر که متاسفانه خود را هم قتل کل می‌داند، وارد مذاکره با آمریکا شدند داشته‌های کشور را از دست مردم خارج کردند و عایدی هم نداشتند. در همین برجام اتفاقات بدی رخ داد، بسیاری از تاسیسات ما دچار بلای‌های فیزیکی شد، سانتریفیوژها را برچیدند و غنی‌سازی ۲۰ درصد را متوقف کردند و در قبال آن چند حرف نسبه تحویل گرفتند. حالا هم امروز مسببان وضع موجود به‌جای اینکه استعفا دهند، مجددا در فضایی که جریان مقاومت پس از شهادت سردار سپهد سلیمانی احیا شده، مسیر عکس را در پیش گرفته و کاری کردند تا رئیس‌جمهور زبون آمریکا بیاید زبان خود را نسبت به ما دراز کند و از موضع بالا با مردم ایران صحبت کند.

از طرفی ما نگران آینده هم هستیم، چراکه می‌دانیم مسائل ما در عرصه سیاست خارجی به پایان نرسیده و چالش‌ها ادامه خواهد داشت و لذا معلوم نیست با این رویکرد کار به کجا می‌کشد و چه تبعاتی در آینده در انتظار کشور و منافع ملی ماست و بنابر همین مساله هم معتقدم که باید اظهارنظر آقای ظریف و مدل رفتاری ایشان مورد بررسی رسمی و قانونی قرار گیرد و تکلیف کشور با این الگوی رفتاری مشخص شود.

سیاست



هزینئه اظهارنظر اشتباه وزیر امور خارجه درباره مذاکره با آمریکا ۲۴ ساعت بعد از گفت‌وگو بیشتر از قبل شد

تکرار کنید بلد نیستیم

باززادندگی فعال و «نه مذاکره و نه جنگ» دانست و نوشت: «آمریکا می‌خواهد مقابل راهبرد «نه مذاکره، نه جنگ»، راهبرد «یا مذاکره یا جنگ» را پیش بگیرد و بر ماست که با این راهبرد مقابله کنیم.»

قه‌رمان دیپلماسسی اما گویا اساسا به‌گونه دیگری به تحولات می‌نگرد و از همین بابت ترجیح می‌دهد چشم بر بلندشدن ترامپ از پای میز مذاکره و حضور در اتاق فرماندهی عملیات تروریستی بغداد ببندد و انگار نه‌خانی آمده و نه‌خانی رفته، ضمن سسخن گفتن از صبر طولانی‌اش در مواجهه با آمریکا، بار دیگر از باز بودن راه برای بازگشت به مذاکره سخن بگوید.

فقط ما زبان دنیا را می‌فهمیم!

دو سال پیش حسن روحانی در تبلیغات انتخاباتی ۹۶ ضمن متهم کردن منتقدان به نفهمیدن زبان دنیا، این‌طور وانمود کرد که فقط خود و یارانش به زبان و توان مذاکره مسلح و از تدابیر دیپلماتیک لازم برای مواجهه با دنیا برخوردارند. گذشت زمان حالا عیار ادعاهایی از این‌دست را به‌خوبی به سنجش گذاشته‌است. روزی اعلام آمادگی برای مذاکره با هر شخصی!

با ترش‌رویی ترامپ پاسخ می‌گیرد، روزی دیگر جواب «اهلا و سه‌لا، ما آماده مذاکره‌ایم» با ترور نماد امنیت داده می‌شود و امروز نیز سخن گفتن از امکان مذاکره حتی در شرایط پس از ترور شهید سردار سلیمانی به دست نظامیان آمریکا و به دستور مستقیم ترامپ، با واکنش تمسخرآمیز «نه، مرسی!» پاسخ می‌گیرد. در این میان البته هرچه هست اثری از توجه به منطق قدرت در مناسبات تیم حاکم بر دولت به چشم نمی‌خورد و به‌نظر می‌رسد بازی با کارت مولفه‌های قدرت، جایگاه چندان‌ی در این دستگاه محاسباتی ندارد؛ دستگاه محاسباتی‌ای که گویا احقاق حقوق کشور را صرفا از مسیر قواعد دیپلماتیک و مناسبات حاکم بر حقوق بین‌الملل و مذاکره و... دنبال می‌کند و هرجانیز که مثل برجام به‌بن‌بست می‌خورد، راه برورن‌رفت از آن را خارج از اعتراض‌های توییت‌ری و اذارهای اخلاقی و... دنبال نمی‌کند.

تبعات دنباله‌دار یک اظهارنظر

باید تنزل قدرت نرم ایران را یکی از بدبهی‌ترین پیامدهای اظهارات ظریف دانست؛ پدیده‌ای که بیش از هر چیز ریشه در

پشتوانه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی حاکمیت دارد. جامعه ایران بعداز شهادت سردار سلیمانی، سطحی از انسجام اجتماعی را تجربه کرد که مدت‌ها بود طعم آن را نچشیده بود. این موضوع به‌ویژه یک‌ماه بعد از حوادث آبان‌ماه و اعتراضات ناظر به گرانی ۲۰۰ درصدی بنزین که شکاف‌های موجود در جامعه را به عمیق‌ترین وضعیت خود رسانده بود، اهمیتی دوچندان داشت و می‌توانست کشور را تا مدت‌ها از این جهت بیمه کند. ماجرای سقوط هواپیما و سکوت رسانه‌ای درخصوص علت آن اگرچه تا حد زیادی بر این انسجام سایه انداخت و به احیای سطحی از شکاف‌های ترمیم‌شده منجر شد، اما درخصوص نوع نگاه به مذاکره تغییر محسوسی را در جامعه پدید نیاورد و همچنان صدایی که در تمام سطوح حاکمیتی و مدیریتی و مردمی دراین‌باره به گوش می‌رسید، صدایی واحد بود. طرح این قبیل مواضع و مواضعی از این دست اما گذشته از شکل دادن مجدد به دوقطبی‌های کاذب سیاست خارجی در داخل، انسجام یادشده را در این حوزه تنزل داده و نگاه بیرونی به کشور را نیز دستخوش تغییر قرار می‌دهد. هرچه باشد نوع مواجهه سایر کشورها با ایران، با همبستگی اجتماعی داخلی ارتباطی مستقیم دارد و این موضوع در یکی از نمونه‌های عینی متأخر آن، در ماجرای اسقاط پهباد گل‌وبال هاوک جلوه‌گر شد؛ اتفاقی که ضمن به رخ کشیدن بخشی از مولفه‌های قدرت کشور، به‌واسطه انسجام اجتماعی پیش‌گفته‌گردشی آشکار را در مواضع کشورهایی چون عربستان و امارات رقم زد و اولی را سه اعلام آمادگی برای مذاکره و دومی را به انعقاد پیمان امنیتی با تهران مجاب کرد.

پیام و پیامد آمادگی

برای مذاکره در عصر پس‌اسلامیانی

اعلام آمادگی برای مذاکره در عصر پس‌اسلامیانی در وا‌شنگتن چیزی جز پیام ضعف تعبیر نمی‌شود و همین موضوع فضای مناسبی را در اختیار طیف تندروی حاضر در حاکمیت آمریکا قسار می‌دهد تا سیاست‌های ضدایرانی خود را به‌گونه‌ای مضاعف پیگیری کند. این یعنی ظریف و باقی رفقا زین پس باید منتظر گام بعدی کاخ سفید در اعمال فشار بر ایران باشند و مردم نیز همچنان باید به مقاومت خود در برابر فشارهای ناشی از خطاهای دیپلماتیک و غیردیپلماتیک مردان پاسستور در زندگی‌شان ادامه دهند. ترامپ مدت‌هاست تلاش دارد ایران را نایزمند مذاکره معرفی کند و خود اصطلاحا برای آن طاقچه بسالا بگذارد. پاس گل ظریف بیش از هر چیز پازل او را تکمیل کرده و راه را برای تشدید فشارها علیه ایران هموار می‌سازد؛ اتفاقی که ضمن تناقض با منافع ملی و اصول واقتضات دیپلماتیک، ژست کاردانی و عالم بودن به ادبیات گفت‌وگو بسا دنیا و تامین منافع ملی از این مسیر را نیز به کلی از حیز انتفاع ساقط می‌کند.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کمیسیون امنیت ملی برای بررسی اظهارات ظریف تشکیل جلسه داد

ما اقدام کند.» نقوی حسینی درخصوص نتیجه چنین اقداماتی در عرصه سیاست خارجی و تامین منافع ملی کشور هم متذکر شد: «دقت کنید که همه ما به‌دنبال تامین منافع ملی کشور هستیم. مقام معظم رهبری در همان بیانات نمازجمعه هم به آن اشاره کردند. همه ما به‌دنبال تامین امنیت و منافع ملی کشور خود هستیم، ولاچه دلیلی دارد این اقدامات را انجام دهیم. اگر ما با آمریکایی‌ها مقابله می‌کنیم، اگر مقابل آمریکا می‌ایستیم، اگر با آمریکایی‌ها مبارزه می‌کنیم، اگر پایگاه‌شان را با آن شرت درهم می‌کوئیم، برای تامین منافع ملی کشور خود، حتی تامین منافع جهان اسلام است ولی آمریکایی‌ها در ۴۰ سال گذشته نشان داده‌اند اهل مذاکره و توافق نیستند، پایبند به تعهدات و موازین بین‌المللی نیستند و تنها زبان زور و قدرت را می‌فهمند، لذا نباید در جریان مواجهه با آمریکایی‌ها دچار اشتباه «اهبردی شد.» وی افزود: «مقام معظم رهبری راه اصلی موفقیت را نشان ما دادند، «قوی شدن» الگوی پیروزی در مقابل آمریکااست، لذا باید کشور را به‌لحاظ دفاعی، اقتصادی، فرهنگی و... قوی کنیم. بنابراین منافع ملی کشور ما امروز در اثر آن مقاومت و قوی شدن تامین می‌شود و برعکس، تامین آنها در مذاکره، التماس و درخواست نیست. ما معتقدیم منافع ملی کشور در اثر اقداماتی که منجر به ذلت و خواری خواهد بود، تامین نمی‌شود. این مسیر منافع ملی کشور را از بین می‌برد و نابودمی‌کند.» سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در پایان خبر داد: «امروز در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی این موضوع مطرح شد و انصافا اعضای کمیسیون عکس‌العمل شدیدی نسبت به این موضوع نشان دادند و معترض بودند که چرا چنین بیاناتی صورت گرفته است، لذا قطعا این موضوع دستورکار جلسات آتی ما خواهد بود.»

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه:

باید در مقابل آمریکا، ابزارها و رفتارهایش مقابله‌به‌مثل کنیم

آمریکایی‌ها از منطقه خارج شوند. بنابراین می‌توان گفت بحث ظریف بدین معنا نیست که ایران راهبرد خود را برای خروج آمریکایی‌ها از منطقه کنار گذاشته است.» استاد دانشگاه علامه طباطبایی در توضیح چگونگی مواجهه دستگاه دیپلماسی با مسائل این روزهای فضای بین‌المللی و درگیری‌های ناشی از اقدامات آمریکا گفت: «ما امروز با دو جهان متفاوت مواجه هستیم؛ یک جهان، جهانی است شامل آمریکا، صهیونیست‌ها و مرتجعین که ویژگی اصلی آنها را دیکتالیسم است و یک قسمت جهان، جهانی است که نگران اتفاقات دنیا و برخی کشورهای آن است. اینها هرچند ممکن است در رفتار با آمریکا خنثی باشند ولی نگرانی‌های جدی دارند. از این‌رو نوع رفتار ایران با این دو جهان باید متفاوت باشد. در مقابل دسته اول که همان رادیکال‌ها هستند و در مقابل ابزارها، رفتارها، و حتی لحن سخن‌هایی که به کار می‌گیرند باید عین همان رفتارها را از خود نشان دهیم، یعنی اگر بخواهند برترسانند باید برترسانیم. اگر رفتاری می‌کنند مقابله‌به‌مثل کنیم و ...» فلاحت‌پیشه با بیان اینکه آمریکا تلاش می‌کند «رفتاری یکنواخت از ایرانیان در مواجهه با همه کشورهای دنیا به نمایش بگذارد» گفت: «ن باید اجازه دهیم آمریکا کشورهای دنیا را در مقابل ایران مرعوب کند، بنابراین در قبال این‌ بخش از دنیا باید رفتاری متفاوت از دسته‌اول پیش بگیریم و کماکان به دنبال دیپلماسی باشیم، دقیقا به همان شکلی که رهبر انقلاب در سخنرانی خود (در ۱۹ ماه) عنوان و دشمنان واقعی ما را از دیگر کشورها جدا کردند.»

سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

شورای اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهارنظر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه درباره امکان شکل‌گیری مذاکره میان ایران و آمریکا حتی پس از ترور شهید سلیمانی و سپس توثیت رئیس‌جمهور آمریکا و رد این اظهارنظر را مورد بررسی قرار داد. نقوی حسینی اقدامات خصمانه آمریکایی‌ها در قبال ملت ایران را دلیل اصلی شدت گرفتن درگیری‌ها میان دو کشور دانست و گفت: «وقتی دولت ایالات متحده به تعهدات بین‌المللی خود عمل نکرد، تحریم‌های ثانویه را برگرداند و مانع انجام تعهدات اروپایی‌ها در قبال ایران شد و هر روز تحریم‌های جدیدی علیه ملت و کشور ما اعمال کرد و باعث شد توافق هسته‌ای برای همه کم‌ل‌ن‌یکن تلقی شود.» از سوی دیگر پس از ترور شهید حاج‌قاسم سلیمانی که با مسئولیت مستقیم خود ترامپ صورت گرفت و آمریکایی‌ها مستقیما این عملیات را انجام دادند و از آن با افتخار هم یاد کردند، شرایطی را به وجود آوردند که دیگر هیچ فرد ایرانی حاضر نیست از مذاکره صحبت کند، در عین حال که همه ملت ایران دنبال انتقام سخت هستند و همچنان معتقدند عملیات عین‌الاسد نتوانسته پاسخ کافی برای اقدام جنایتکارانه آمریکایی‌ها باشد. از سوی دیگر مقام معظم رهبری در خطبه‌های نمازجمعه صراحتا فرمودند ما مذاکره می‌کنیم ولی نه با آمریکا! بنابراین، این چارچوب دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی باید باشد و ما انتظار نداریم وزیر امور خارجه خارج از این چارچوب اظهارنظر کند. بنابراین آنچه مقام معظم رهبری فرمودند فصل‌الخطاب و ختام در این زمینه است و ظریف نباید در این زمینه اظهارنظر اینچینی می‌کرد که باعث شود ترامپ که تحقیر شده بود، با یک توثیت نسبت به تحقیر دستگاه دیپلماسی

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای

اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره اظهارنظر اخیر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با نشریه آلمانی اشپیگل گفت: «معتقدم فضای فکری وزیر امور خارجه ما و رئیس‌جمهور آمریکا به کلی دو فضای فکری متفاوت است. ظریف می‌خواهد در یک فضای فکری واقع‌گرایانه اظهارنظر کند ولی فضای فکری ترامپ یک فضای توهمی و خیالی است. ترامپ هنوز در یک فضای متوهمانه به‌سسر می‌برد، واکنش‌های عقلانی به هیچ پدیده‌ای ندارد و حتی نتوانسته بپذیرد بزرگ‌ترین حقارت‌های آمریکا در زمان او، در طول چند دهه اخیر به ایالات‌متحده تحمیل شد. در واکنش به اظهارنظر ظریف دیدیم که ترامپ چگونه رفتار کرد و نشان داد که همچنان در فضای غیرواقعی خود به‌سسر می‌برد. از این‌رو معتقدم یکی از دلایل خنثی‌شدن سیاست خارجی او در سالیان اخیر به‌ویژه در قبال ایران هم همین موضوع است.»

او درباره‌انگیزه‌های محمدجواد ظریف از گفت‌وگو با اشپیگل و بیان آن مواضع گفت: «رفتاری که آمریکایی‌ها انجام می‌دهند، کاملا یک رفتار توأم با مکر و حیله است ضمن اینکه ترور انجام می‌دهند، هم‌زمان خود را بانئی مذاکره نشان می‌دهند و لذا به‌نظر صحبتی که ظریف مطرح کرد برای مواجهه با این رفتار بود. علاوه بر این معتقدم با وجود اینکه ایران پاسخ ترور شهید قاسم سلیمانی را در عین‌الاسد داد، طبق همان منطق مقام معظم رهبری، فقط زمانی می‌توانیم بگوئیم واکنش اصلی به اقدام ایالات‌متحده صورت گرفته که در آن زمان